

مطالعه نقوش صخره‌ای عقرب‌لو در شهرستان شاهین‌دژ

اسماعیل سلیمی (نویسندهٔ مسئول)^۱

جمیله صلح‌جو^۲

ایرج رضایی^۳

چکیده

نقوش صخره‌ای از جمله قدیمی‌ترین آثار دست بشر است و از کهن‌ترین و ماندگارترین جلوه‌های هنری جامعهٔ انسانی محسوب می‌گردد که نمونه‌های متعدد آن از بسیاری از نقاط جهان و ایران متعلق به هزاره‌های دوردست پیش از تاریخ تا دوره‌های مختلف تاریخی و حتی معاصر به دست آمده است. این آثار از نظر مطالعات تاریخ هنر، باستان‌شناسی و انسان‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. اهمیت این نقوش نزد باستان‌شناسان نه تنها به سبب ارزش هنری و تاریخی بسیار زیاد آن‌ها، بلکه بدان جهت است که نقوش مذکور منعکس‌کننده بسیاری از باورها، افکار و عقاید و علایق شناخته و ناشناخته انسان‌های دوران باستان به شمار می‌روند. ساکنان سرزمین کهنسال ایران نیز از دیرباز به سبب دسترسی فراوان به صخره و سنگ، ذوق هنری و برداشت‌های ذهنی خود از جهان پیرامونی را در قالب چنین نقوشی بر دیواره صخره‌ها و سنگ‌ها، در مناطق کوهستانی و درون غارها و گاه در دشت‌های باز ایجاد کرده‌اند. نوشتار پیش‌رو به معرفی و بررسی مجموعه دیگری از این نقوش در کشور ایران می‌پردازد. نقوش صخره‌ای عقرب‌لو مجموعهٔ جالب توجهی از نقوش مختلف است که در استان آذربایجان غربی و شهرستان شاهین‌دژ واقع شده که پیش از این در محافل باستان‌شناسی ایران و جهان چندان شناخته شده نبوده است. در پژوهش پیش‌رو که به روش کتابخانه‌ای و میدانی به انجام رسید، نقوش صخره‌ای عقرب‌لو، توصیف و طبقه‌بندی شده‌اند و در بحث گاه‌نگاری نیز، از طریق مقایسه تطبیقی آنها با نقوش و آثار مشابه در دیگر نقاط مختلف ایران، بازهٔ زمانی دوران پیش از تاریخ تا دوران تاریخی برای نقوش مختلف مجموعهٔ مذکور پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: نقوش صخره‌ای، آذربایجان غربی، عقرب‌لو، پیش از تاریخ، تاریخی



۱. دانش‌آموختهٔ کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران salimi.esmaeil@yahoo.com

۲. دانش‌آموختهٔ کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان و مدرس دانشگاه ارومیه j.solhjoo@yahoo.com

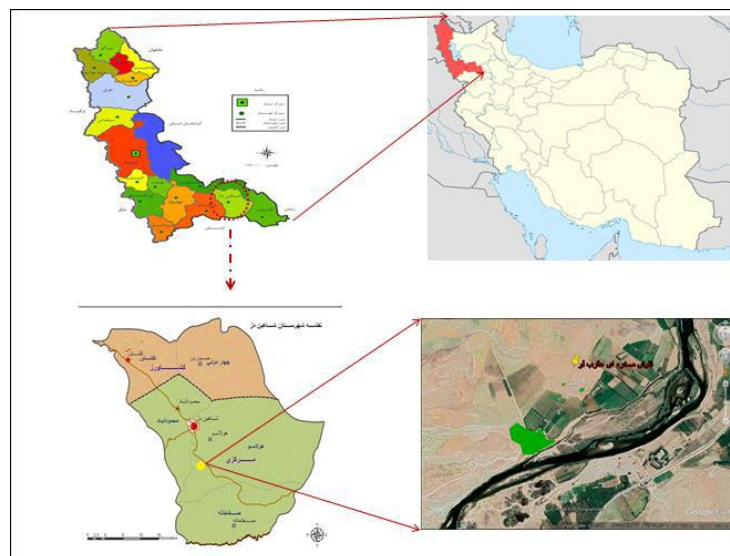
۳. دکترای باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

تاکنون در منطقه آذربایجان غربی، همچون بسیاری دیگر از نقاط ایران، مطالعات پژوهشی جامع و بررسی‌های باستان‌شناسی گسترده‌ای به منظور شناسایی و معرفی نقوش صخره‌ای این ناحیه صورت نگرفته است. این درحالی است که اهمیت چنین آثاری به دلیل آنکه حامل اطلاعات بسیار مهمی درباره فرهنگ‌های ناشناخته گذشته در زمینه‌های مختلف دینی و مذهبی، شیوه معیشت، ادوات و ابزارهای مورد استفاده و مواردی از این قبیل هستند، بر باستان‌شناسان پوشیده نیست. از طرفی باتوجه به رشد روزافزون عواملی چون افزایش جمعیت و افزایش آلاینده‌های محیطی در چند دهه گذشته و نیز عدم فرهنگ‌سازی درست با هدف افزایش حس مسئولیت‌پذیری جامعه در مقابل آثار تاریخی و باستانی کشور، بدیهی است که چنین آثاری بیش از پیش در معرض آسیب و تخریب همیشگی قرار دارند و بنابراین لزوم شتاب بخشیدن به مطالعه نقوش صخره‌ای بیش از پیش احساس می‌شود. نقوش صخره‌ای مورد بحث در این مقاله از جمله آثاری است که نگارندگان با چنین دیدگاهی به مطالعه و بررسی آن پرداخته‌اند.

۲. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

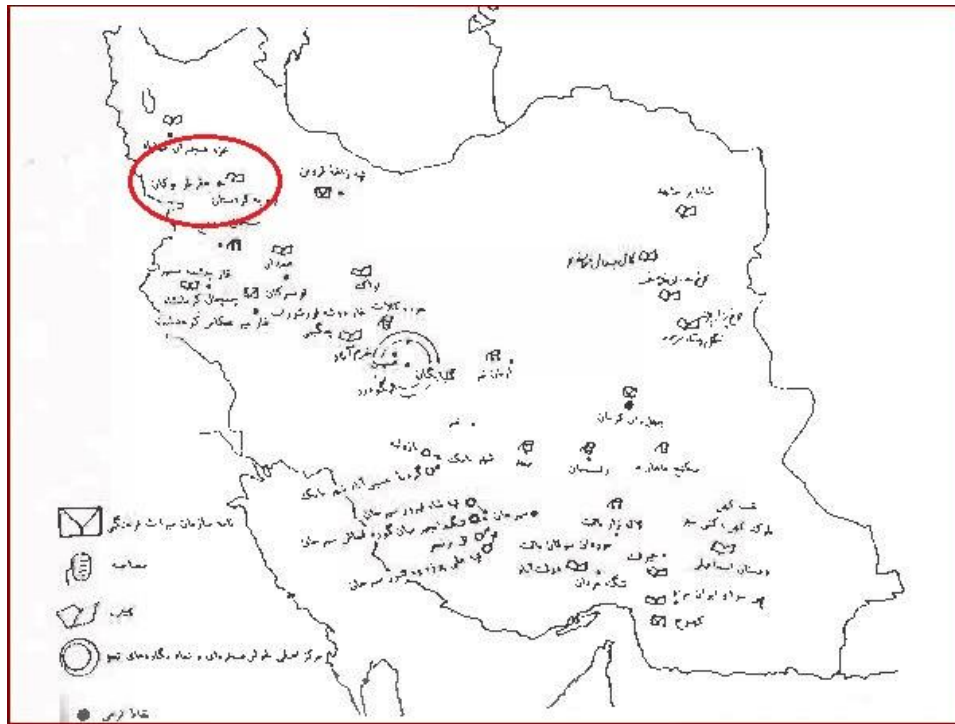
عقربلو یا دومست‌کندی سابق، یکی از روستاهای شهرستان شاهین‌دژ واقع در استان آذربایجان غربی است که در حدود ۱۰ کیلومتری جنوب غربی شهر شاهین‌دژ، در بخش مرکزی و محدوده دهستان محمودآباد واقع شده است. روستای عقربلو از شمال به آق تپه، از غرب به ساروجه علیا، از جنوب به غیبعلی و از شرق به روستاهای شهرستان تکاب محدود است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). بنا به گفته برخی از بومیان، نام روستای فعلی عقربلو از نقش‌مایه عقرب در سنگ‌نگاره‌های عقربلو گرفته شده است و ساکنان محلی دلیل این نام‌گذاری را وفور عقرب در این مکان دانسته‌اند. روستای عقربلو در مجموع دارای ۳۰ خانوار با جمعیت ۱۶۰ نفر است. مردم این روستا گرد زبانند و به کار کشاورزی، دامپروری و باغداری مشغولند. سنگ‌نگاره عقربلو در ۴۰۰ متری شرق روستای مذکور و رودخانه زرينه‌رود در دامنه کوهی معروف به کيوه سور (کوه سرخ) قرار گرفته است (نقشه ۱).



نقشه ۱: موقعیت شهرستان شاهین‌دژ و روستای عقربلو در استان آذربایجان غربی (منبع؛ نگارندگان).

۳. تاریخ کشف، پیشینه بررسی و مطالعه نقوش صخره‌ای عقربلو

نقوش صخره‌ای عقربلو برای نخستین بار توسط محمود پدram کشف و شناسایی شد. پدram در کتابی با عنوان «تمدن مهاباد»، ضمن اشاره به نقوش صخره‌ای عقربلو، به تاریخ‌گذاری و تقسیم‌بندی نقشمایه‌های این مکان پرداخت. وی باتوجه به شباهت نقشمایه‌های بز در عقربلو با نقوش سفال‌های پیش‌ازتاریخ و سنگ‌نگاره‌های خره هنجیران مهاباد، ارنان یزد و گوبوستان قفقاز، نقوش عقربلو را متعلق به دوران پیش‌ازتاریخ، گاه‌نگاری کرده است (پدram، ۱۳۷۳: ۱۲۹-۱۳۲). بهمن کارگر نیز در جریان بررسی محور سد بوکان-شاهین‌دژ، در چند جمله به توصیف هنر صخره‌ای عقربلو پرداخته است (کارگر، ۱۳۷۰). پس از وی، مرتضی فرهادی در مقاله‌ای که به نقوش صخره‌ای جنوب شرقی ایران اختصاص دارد، موقعیت سنگ‌نگاره عقربلو را در نقشه نقوش صخره‌ای ایران مشخص کرده است (نقشه ۲)، (فرهادی، ۱۳۷۶: ۱۲). در بهار سال ۱۳۹۲ نگارندگان از نقوش صخره‌ای عقربلو بازدید و اطلاعات موجود بر روی صخره‌ها را مستندنگاری کردند، اما به دلایلی انتشار نتیجه این پژوهش به تأخیر افتاد. پس از آن صفاران و همکاران وی نیز در دو پژوهش جداگانه به مطالعه و معرفی نقوش صخره‌ای عقربلو، عمدتاً از منظر گردشگری منطقه پرداخته و آن را مربوط به عصر نوسنگی تاریخ‌گذاری کرده‌اند (صفاران و بابانظر، ۱۳۹۴: ۱۳-۱؛ صفاران و دیگران، ۱۳۹۴: ۵-۱). سرانجام آنکه علی بیننده نیز در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به هنر صخره‌ای در شمال غربی ایران»، در چند سطر به صورت کلی به برخی از نقوش عقربلو اشاره کرده، اما از گاه‌نگاری آن‌ها صرف‌نظر کرده است (Binandeh 2016: 14).



نقشه ۲: موقعیت سنگ‌نگاره عقربلو و سایر مکان‌های نقوش صخره‌ای در ایران (فرهادی، ۱۳۷۶: ۱۲).

۴. سنگ‌شناسی و پراکندگی کلی نقوش صخره‌ای عقربلو

صخره‌هایی که نقوش عقربلو بر روی آن‌ها ایجاد شده، بخشی از یک برجستگی کلی یا یک صخره نامنظم از جنس سنگ آتشفشانی (سنته، عبدالله، ۱۳۹۵، مصاحبه شخصی) به رنگ خاکستری تیره متمایل به قهوه‌ای سوخته است که رأس

آن حدود ۴ متر بالاتر از زمین‌های کشاورزی اطراف قرار دارد. نقوش عقرب‌لو در فضایی به طول حدود ۲۰ متر بر سطوح مختلف این برجستگی یا صخره ایجاد شده است. بطور کلی در مجموعه عقرب‌لو تعداد ۲۹ نقش بر صخره ایجاد شده که عبارتند از (نمودار ۱):

نقوش انسانی (۱ مورد)

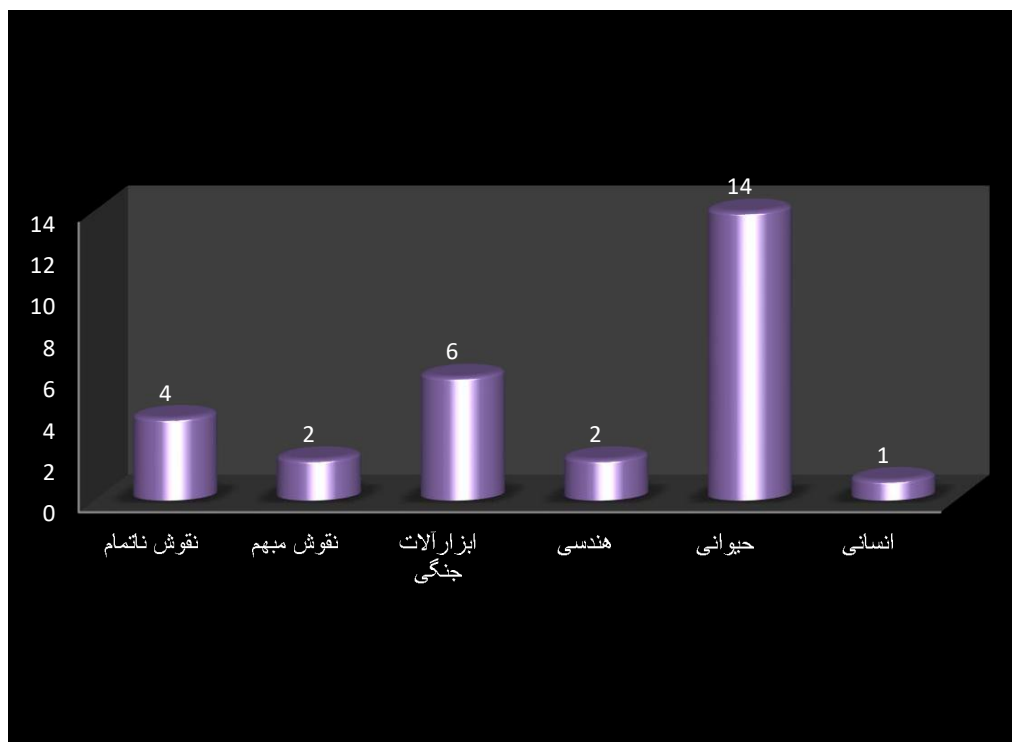
نقوش حیوانی (۱۴ مورد؛ شامل؛ بز، عقرب، الاغ یا جانور اسب‌سان، مار و قورباغه)

نقوش هندسی (۲ مورد شامل یک لوزی کامل و یک مثلث تودرتو)

نقوش تیر و کمان (۶ مورد)

نقوش مبهم (۲ مورد)

نقوش ناتمام (۴ مورد).



نمودار ۱: نمودار نقش‌مایه‌های سنگ‌نگاره عقرب‌لو براساس تعداد (منبع: نگارندگان).

نقوش صخره‌ای عقرب‌لو بر روی پنج سطح یا صخره مختلف قرار دارد که موقعیت دقیق هر یک از صخره‌ها در تصویر با شماره‌های ۱-۵ از سمت شرق به غرب مشخص شده است (تصویر ۱). در اینجا جزئیات هر یک از سطوح پنج‌گانه عقرب‌لو در قالب پنج گروه جداگانه، به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.



تصویر ۱: موقعیت صخره‌های پنج‌گانه سنگ‌نگاره عقرب‌لو (منبع: نگارندگان)

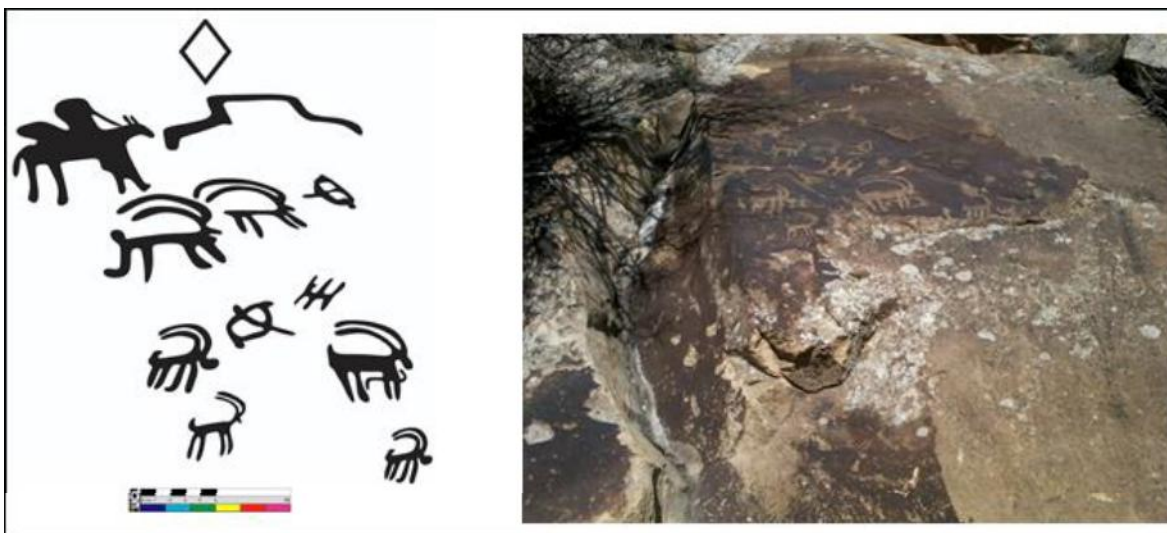
۵. بررسی نقوش عقرب‌لو

۱.۵. گروه نخست

گروه نخست نقوش عقرب‌لو در بخش شرقی مجموعه قرار دارد و در فضایی به مساحت حدود $3/5$ متر در $2/30$ متر بر سطح افقی صخره پراکنده شده است (تصویر ۲). سطحی که نقوش گروه نخست روی آن کنده شده در راستای شرقی-غربی قرار دارد. بیشترین تعداد نقوش عقرب‌لو با ۱۹ نقش، مربوط به همین بخش است. به‌طور کلی نقوش گروه اول شامل؛ نقوش انسانی (۱ مورد)، نقوش حیوانی (۹ مورد)، تیر و کمان (۴ مورد)، نقوش هندسی (۱ مورد)، نقوش مبهم (۲ مورد) و نقوش ناتمام (۲ مورد) است. تنها نقش انسانی مجموعه نقوش صخره‌ای عقرب‌لو که البته وضوح چندان هم ندارد، در این گروه قرار دارد. نقش انسانی مذکور سوارکاری را نشان می‌دهد که بر روی حیوانی شبیه اسب یا الاغ به طول ۳۰ سانتی‌متر و عرض ۲۹ سانتی‌متر سوار شده و با دست راست افسار حیوان را گرفته است، برخی اندام‌های حیوان چون دم، گوش‌های تیز و کوتاه و پا‌های باریک آن به خوبی قابل تشخیص هستند.

بیشترین تعداد نقوش حیوانی گروه نخست مربوط به نقش بز (۶ عدد) است. ابعاد این نقوش با میانگن ۳۰ سانتی‌متر طول و ۲۵ سانتی‌متر عرض با عمق حداکثر ۱ سانتی‌متر است. ظاهر بزها تقریباً شبیه‌به‌هم بوده و جهت همه آن‌ها به طرف شرق قرار دارد. شاخ بزها به شکل اغراق‌آمیزی بلند و کشیده نشان داده شده و دم آن‌ها به طرف بالا قرار دارد. همچنین بر صخره اول، در جهت شرقی - غربی، نقشی شبیه به یک مار دیده می‌شود که حدود ۳۰ سانتی‌متر طول و ۲ سانتی‌متر عمق دارد و نسبت به بقیه نقوش عمق آن بیشتر است. از دیگر نقش‌مایه‌های حیوانی گروه نخست می‌توان به نقش یک عقرب در وسط صخره با طول ۲۱ سانتی‌متر و عرض ۲۰ سانتی‌متر اشاره کرد که ترکیبی از یک خط افقی (بدن) با سه خط عمودی (دم، نیش و پاها) است. نقوش هندسی گروه اول شامل یک لوزی کامل با طول و عرض 20×10 سانتی‌متر و عمق ۱ سانتی‌متر است. نقش مذکور در بالاترین قسمت صخره گروه اول حک شده و جهت آن شمالی - جنوبی است. همچنین بر روی صخره اول نقشی شبیه به تیر و کمان دیده می‌شود که به شکل

دایره‌ای است که یک خط افقی در وسط آن‌ها ترسیم شده است. این نقش به‌طور میانگین ۹ سانتی‌متر طول، ۱۱ سانتی‌متر عرض و ۱ میلی‌متر عمق دارد. یک نقش دیگر با ماهیت مبهم بر روی صخره اول وجود دارد که حدود ۴۵ سانتی‌متر طول و ۲۲ سانتی‌متر عرض دارد و به شکل یک خط راست است که در قسمت بالا دارای زائده‌ای به شکل حرف U است. به‌علاوه یک نقش نامشخص دیگر بر این صخره به شکل حرف E با زائده‌ای به شکل حرف A دیده می‌شود. به‌غیر از نقش مایه‌های مذکور دو نقش ناتمام دیگر در بالاترین قسمت صخره اول دیده می‌شود که یکی دست و پاهای ناتمام یک بز و دیگری نیم‌دایره‌ای شبیه نقش یک تیر و کمان را نشان می‌دهد.



تصویر ۲: گروه نخست سنگ‌نگاره‌های عقربلو (منبع: نگارندگان).

۲.۵. گروه دوم

گروه دوم از نقوش عقربلو در میان شیار بین گروه نخست و سوم واقع شده و سطح آن در راستای شمالی-جنوبی قرار دارد. نقوش گروه دوم بر روی پس‌زمینه‌ای به رنگ سیاه متمایل به سوخته ایجاد شده و در مساحتی به طول ۲/۸۰ متر و عرض ۱ متر پراکنده شده‌اند. رنگ نقوش به دلیل خراش صخره، نخودی بوده که از رنگ زمینه متمایز است. بطورکلی نقوش این گروه متشکل از نقش سه بز با میانگین طول ۲۰ سانتی‌متر و عرض ۱۸ سانتی‌متر و عمق ۳ میلی‌متر و یک نقش تیر و کمان با طول ۱۲ سانتی‌متر و عرض ۸ سانتی‌متر و عمق ۱ میلی‌متر است. بزها تقریباً هم‌اندازه‌اند و ظاهر آن‌ها نیز شبیه به نقش بزهای روی صخره اول اما کوچک‌تر از آن‌ها هستند. بدن بزها چنان‌که در عقربلو متداول است، با خطوط ساده به صورت تجریدی نشان داده شده است. شاخ دو بز کناری بلند و کشیده بوده، اما شاخ بز میانی نسبت به آن دو کوتاه‌تر و احتمالاً از نوع شوکا^۱ باشد. نقش تیر و کمان همانند گروه اول در پشت بزی که در حاشیه سمت راست قرار دارد، حک شده است (تصویر ۳).

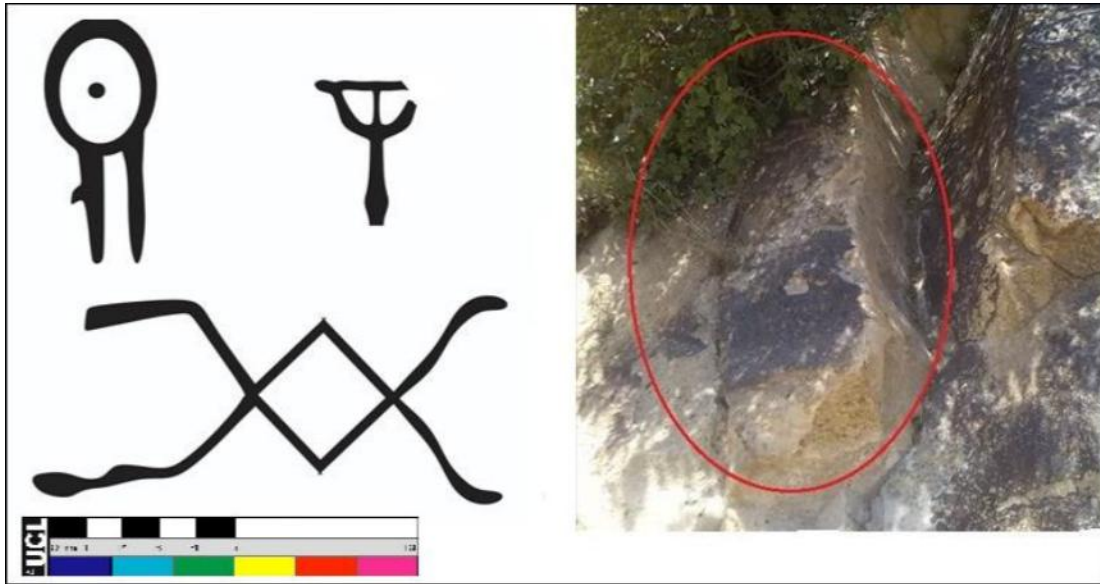
۱. نوعی گوزن کوچک به رنگ سرخ که در بیشتر مناطق سردسیر یافت می‌شود (صفاران و دیگران، ۱۳۹۴: ۵-۱).



تصویر ۳: گروه دوم سنگ‌نگاره عقربلو (منبع: نگارندگان)

۳.۵. گروه سوم

گروه سوم نقوش عقربلو در فاصله ۶۵ سانتی‌متری غرب گروه دوم، بر روی سطح افقی صخره در راستای شمالی-جنوبی قرار دارد. نقوش این گروه، فضایی در حدود ۳/۷۰ متر در ۱/۵۵ متر را در بر گرفته و متشکل از نقشی شبیه یک قورباغه، یک تیر و کمان و یک نقش بزما است (تصویر ۴). جالب‌ترین نقش این گروه، به احتمال زیاد نقش یک خزنده است که بدن آن به شکل یک لوزی ساده ترسیم شده است و برای آن دو دست و پا ترسیم شده که دو پای پیشین آن به صورت گازانبری است و بسیار مشابه نقش سفال‌های تل‌باکون است که پیش‌از این به‌عنوان نقش قورباغه معرفی شده است (غرابی، ۱۳۸۱: ۱۸۲). لازم به ذکر است که ساکنان محلی روستای عقربلو، نقش مورد بحث را عقرب می‌دانند. در این گروه نقش تیر و کمان همچون نمونه‌های مشابه در گروه نخست و دوم، به شکل نیم‌دایره ساده‌ای است که به حالت «به‌زه» تیری درون آن قرار دارد. نقش بزما هم به‌صورت یک دایره با نقطه در وسط آن که در پایین سه خط عمودی به آن متصل است، قابل مشاهده است.



تصویر ۴: گروه سوم سنگ‌نگاره عقربلو (منبع: نگارندگان).

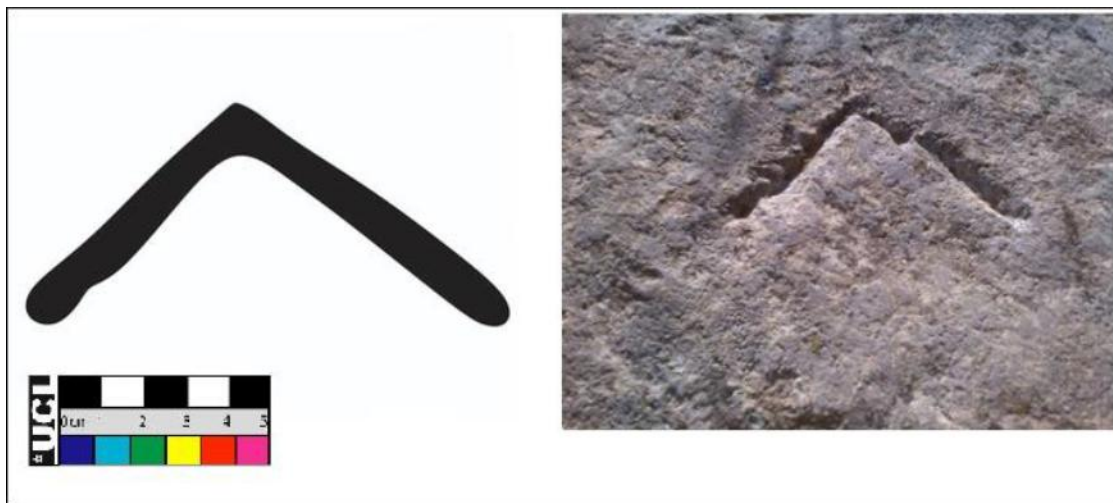
۴.۵. گروه چهارم

گروه چهارم از نقوش عقربلو در فاصله ۱ متری غرب گروه سوم، بر روی سطح افقی صخره در راستای شرقی - غربی قرار دارد. نقش این گروه، فضایی در حدود ۱/۴۵ متر در ۱ متر را در بر گرفته و متشکل از یک نقش لوزی ناتمام با طول ۱۰ سانتی‌متر و عرض ۱۵ سانتی‌متر است (تصویر ۵).

۱۲۹



باستان‌شناسی، سال نوزدهم و بیستم، شماره ۲۴ و ۲۵

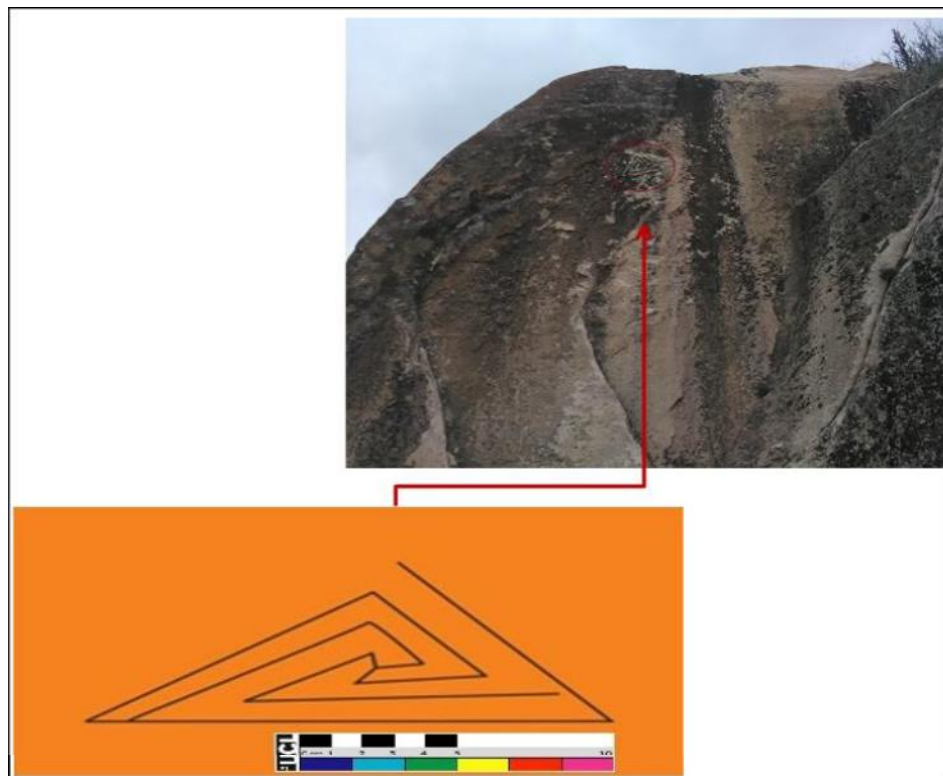


تصویر ۵: نقش و طرح ناتمام لوزی، گروه چهارم سنگ‌نگاره عقربلو (منبع: نگارندگان).

۵.۵. گروه پنجم

گروه پنجم از نقوش عقربلو در فاصله حدود ۵۰ متری شمال غربی گروه‌های چهارگانه پیشین بر روی سطح افقی یک تخته‌سنگ تقریباً صاف به طول ۵/۲۰ متر در ۳/۱۰ متر کنده شده است. تنها نقش این گروه عبارت است از یک نقش

هندسی زیبا و منفرد به شکل یک مثلث تودرتو که در ارتفاع حدود ۳/۸۰ متری از تخته‌سنگ مذکور ایجاد شده است (تصویر ۶).



تصویر ۶: گروه پنجم سنگ‌نگاره عقربلو (منبع: نگارندگان).

۶. بررسی نوع سنگ‌نگاره‌ها و تکنیک ساخت نقوش عقربلو

نقوش عقربلو از نوع نگارکند یا پتروگلیف (petroglyph) بوده و با استفاده از تکنیک کوبشی و خراشی ایجاد شده‌اند. احتمالاً برای ایجاد نقوش یادشده، سطح روی صخره را به کمک یک خراشنده سنگی یا فلزی به عمق حداقل ۱ میلی‌متر تا حداکثر ۲ سانتی‌متر خراشیده و بدین ترتیب نقوش موردنظر را بر بدنه صخره نقر کرده‌اند. باتوجه‌به آنکه برای ایجاد نقوش، لایه تیره رنگ سطحی را کنده و جدا کرده‌اند، این عمل باعث نمایان شدن بخش روشن‌تر زیرین شده و به همین دلیل نقوش ایجادشده تقریباً نخودی‌رنگ هستند که متفاوت از رنگ زمینه صخره (خاکستری) است.

۷. بررسی جزئیات و مقایسه تطبیقی نقوش صخره‌ای عقربلو

۱.۷. نقش‌مایه‌های حیوانی

۱.۱.۷. نقش بز

در عقربلو همچون دیگر مجموعه‌های شناخته شده نقوش صخره‌ای در ایران، نقش‌مایه‌های حیوانی، به ویژه نقش بز بخش قابل توجهی از کل نقوش مجموعه را به خود اختصاص می‌دهد. در نقوش صخره‌ای ایران، اغلب بز به حالت نیمرخ با چهار پا و دو شاخ قوس‌دار بلند و موازی نمایش داده می‌شود، به گونه‌ای که بر نمایش شاخ‌های بلند این حیوان (بز) بسیار تأکید شده است (جدول ۱، ردیف ۱).

برخی از پژوهشگران، فراوانی نقش بز در نقوش صخره‌ای را به شرایط اقلیمی و زیست محیطی و برخی نیز به مفهوم اسطوره‌ای و نمادین این حیوان در فرهنگ‌های مختلف ارتباط می‌دهند (محمدی‌فر و همتی ازندریانی، ۱۳۹۳: ۲۴۲). از جمله مزایای نگهداری بز آن است که این حیوان کمتر از گوسفند به مراقبت نیاز دارد و سازگاری آن با چراگاه‌هایی با پوشش گیاهی فقیر، نیز بیشتر است (زاگارل ۱۳۸۷: ۱۰۵). به‌علاوه از لحاظ فیزیکی، بز بیشتر از گوسفند خود را با مناطق کوهستانی و پُرصخره چون زاگرس انطباق می‌دهد (نیکنامی و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۲). این‌ها از جمله دلایلی است که باعث شده بز نقش بسیار مهمی در دامپروری ساکنان فلات ایران از دوران پیش‌ازتاریخ تا به امروز داشته باشد.

۲.۱.۷ نقش بز نما یا نقش نمادین؟

در مجموعه نقوش صخره‌ای عقرب‌لو فقط یک نقش از این نوع در گروه سوم حکاکی شده است (جدول ۱، ردیف ۲). نمونه‌های مشابه این نقش از مجموعه ارگس B سفلی ملایر (بیک محمدی، خلیل‌الله و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۸)، ازندریان ملایر (محمدی‌فر و همتی ازندریانی، ۱۳۹۳: ۲۴۵-۲۴۶) و خیزاب خمین (ناصری فرد، ۱۳۸۸: ۸) یافت شده است (جدول ۲، ردیف ۲). درباره هویت واقعی این نقش اتفاق نظری وجود ندارد. برخی از پژوهشگران نقش مذکور را شکل استیلیزه یا مسبک بزکوهی می‌دانند و یا معتقدند که نقش مذکور بیانگر یک دعا و خواهش از خداوند یا نمونه‌ای از خط پروتو عیلامی با قدمت ۲۳۰۰ پ.م. است (همان). گروهی نیز آن را صرفاً یک نقش نمادین یا اسطوره‌ای می‌دانند (بیک محمدی، خلیل‌الله و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۸). جالب آنکه نقش مذکور از لحاظ ظاهری شبیه حلقه قدرت در صحنه‌های تاج‌ستانی در نقش برجسته‌های شاهان هخامنشی، اشکانی و ساسانی است (تصویر ۷)، که البته ممکن است که این شباهت صرفاً اتفاقی و ظاهری باشد.

۱۳۱



باستان‌پژوه، سال نوزدهم و بیست و چهارم، شماره ۲۴ و ۲۵

۳.۱.۷ سوارکار

در مجموعه پنج‌گانه عقرب‌لو فقط یک نقش سوارکار وجود دارد (جدول ۱، ردیف ۳). نقش مذکور از لحاظ شکل ظاهری و جزئیاتی چون گرفتن افسار و بردن دست به سمت عقب حیوان، قابل‌مقایسه با نقش مایه دره مزرعه نو خمین است (جدول ۲، ردیف ۳)، (ناصری فرد، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

۴.۱.۷ نقش شبه قورباغه‌ای

در مجموعه پنج‌گانه عقرب‌لو فقط یک نقش از این نوع در گروه سوم نقش شده است (جدول ۱، ردیف ۷). این نقش قابل‌مقایسه با نمونه‌های محوطه پیش‌ازتاریخ تل باکون A در استان فارس متعلق به دوره IV با بازه زمانی (۳۵۰۰-۴۰۰۰ ق.م) می‌باشد (جدول ۲، ردیف ۸)، (غرابی، ۱۳۸۱: ۶۸-۱۸۲).

۵.۱.۷ مار

از این نقش یک نمونه بر روی صخره گروه نخست قرار دارد (جدول ۱، ردیف ۶) که می‌توان آن را با نقش مایه سنگ‌نگاره کوچری شهرستان گلپایگان مقایسه کرد (جدول ۲، ردیف ۴)، (جمالی، ۱۳۹۴: ۱۰۲).

۲.۷ نقش مایه‌های هندسی

۱.۲.۷ لوزی

در سنگ‌نگاره عقرب‌لو دو نقش از لوزی یکی کامل و دیگری ناتمام نقش شده است که نمونه این نقش هنوز در صنایع دستی مردم منطقه یافت می‌شود (جدول ۱، ردیف ۴ و ۹). این نقش قابل‌مقایسه با نمونه‌های غار کرفتو در دیواندره کردستان با بازه زمانی ۲۳۰۰ پ.م. است (جدول ۲، ردیف ۵)، (ناصری‌فرد، ۱۳۸۸: ۹۶). برخی از پژوهشگران ایجاد نقش لوزی در یک مکان را نشانگر تقدس آن مکان در گذشته دانسته‌اند، چنانکه هینتس نقش لوزی را در قالب hu یعنی تقدیس، معنی کرده است (هینتس، ۱۳۸۷: ۶۵).

۲.۲.۷. مثلث تودرتو^۱

این نقش فنی‌تر از دیگر نقوش گروه‌های چهارگانه ایجاد شده، به گونه‌ای که کشیدن آن نیاز به مهارت و زمان بیشتری داشته است (جدول ۱، ردیف ۸). ایجاد نقوش هندسی تودرتو بر روی سفال از دوره پیش‌ازتاریخ متداول بوده است که از جمله می‌توان به نقش‌مایه‌های سفال‌های افق دالما در حوزه جنوب غرب دریاچه ارومیه متعلق به حدود ۴۲۱۵ پ.م. اشاره کرد (جدول ۲، ردیف ۷)، (طلایی، ۱۳۹۰: ۳۲۳).

۳.۷. نقش‌مایه‌های منفرد

بطور کلی در عقرب‌لو نقش شش تیر و کمان بر صخره ایجاد شده است که باتوجه به حضور حیواناتی در کنار آن، صحنه شکار را تداعی می‌کند (جدول ۱، ردیف ۵). در کل می‌توان نقوش مذکور را با نقش‌مایه‌های تیر و کمان دره دربند عباس آباد خمین مقایسه کرد (جدول ۲، ردیف ۶)، (ناصری‌فرد، ۱۳۸۸: ۹۸).

۸. نتیجه

نقوش صخره‌ای عقرب‌لو از جمله نگارنده‌های صخره‌ای مهم در استان آذربایجان غربی است که در آن نگارگر متأثر از الگوهای ذهنی خود، نشانه‌هایی از شکار، سوارکاری و گله‌داری را به تصویر کشیده است. در خلق سنگ‌نگاره‌های عقرب‌لو، نگارگر نقوش را به شکل ساده و بدون هیچ‌گونه تزئینی ایجاد کرده است. در عقرب‌لو، نقش بز کوهی بیش از هر حیوان دیگری جلب توجه می‌کند و از نظر کمی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. شیوه نمایش این جانور در عقرب‌لو تقریباً همواره از اصول ثابت و یکسانی پیروی می‌کند، از جمله شاخ‌های آن همواره بلند و کمانی و به صورت جفت ترسیم شده است. نمایش نقوش جانوری به شکل نیم‌رخ، همچنین دوری‌گزینی از ارائه تصاویر سه‌بعدی از دیگر اصولی است، که در سنگ‌نگاره عقرب‌لو رعایت شده است. تاکنون گاهنگاری مشخصی برای نقوش صخره‌ای عقرب‌لو پیشنهاد نشده و یا امکان تاریخ‌گذاری این مجموعه به کمک روش‌های آزمایشگاهی فراهم نشده است. به اعتقاد نگارندگان برخی از نقوش عقرب‌لو از جمله نقش مثلث تودرتو، بسیار فنی‌تر از سایر نقوش بوده و احتمالاً متعلق به تاریخ جدیدتری هستند، هرچند که برخی نقوش دیگر از جمله نقش بز کوهی آشکارا پیشینه بسیار کهن‌تری دارند. بنابراین به نظر می‌رسد که مجموعه عقرب‌لو متعلق به یک دوره زمانی واحد نبوده، بلکه احتمالاً در طول سده‌ها و شاید هم هزاره‌های مختلف شکل گرفته است.

بررسی برخی شواهد موجود از جمله شکل ظاهری کمان‌های عقرب‌لو نشان می‌دهد که این نوع کمان ساده و یک قوسی را می‌توان قدیمی‌تر از اواسط هزاره اول پ.م. تاریخ‌گذاری کرد. به علاوه اگر نقش حیوان سواری‌دهنده را اسب فرض کنیم، باتوجه به پیشینه اهلی شدن این حیوان، تاریخ قدیمی‌تر از هزاره سوم پ.م.، دست‌کم برای بخشی از

۱. در هیچ‌کدام از مطالعات صورت‌گرفته بر روی نقوش صخره‌ای عقرب‌لو به این نقش اشاره نشده است.




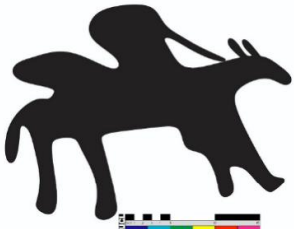

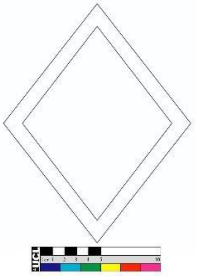

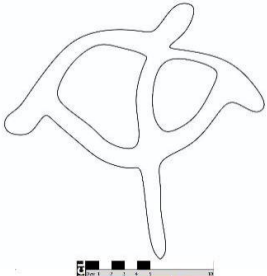

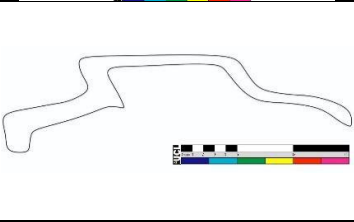

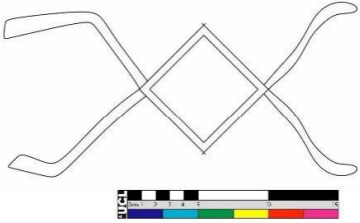
مجموعه چندان محتمل به نظر نمی‌رسد. در مجموعه نقوش صخره‌ای عقرب‌لو، نقشی وجود دارد که تعدادی از محققان آن را شکل استیلیزه یا مسبک بزکوهی می‌دانند و برخی دیگر هم آن را صرفاً یک نقش نمادین (اسطوره‌ای) می‌دانند (تصویر ۷). نقش مزبور در نگاره‌های لایخ‌مزار که دارای کتیبه اشکانی است، هم قابل مشاهده است. تمام موارد یادشده ممکن است به تاریخ‌گذاری نسبی مجموعه عقرب‌لو کمک کند. نتیجه آنکه از لحاظ زمانی، می‌توان نقوش عقرب‌لو را در یک بازه زمانی از یک مقطع نامشخص در دوران پیش‌از تاریخ تا هزاره اول پ.م تاریخ‌گذاری کرد.



تصویر ۷: گرفتن حلقه قدرت در نقش رستم، نقش آناهیتا در تاج‌گیری نرسه (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۳: ۲۹۲).

جدول ۱: مشخصات کلی نقوش صخره‌ای عقرب‌لو (منبع: نگارندگان).

ردیف	نوع نقش‌مایه	تصویر نقش‌مایه	طرح نقش‌مایه	مآخذ
نقش‌مایه‌های کلی نقوش صخره‌ای عقرب‌لو				
۱	بز			نگارندگان

ردیف	نوع نقش‌مایه	تصویر نقش‌مایه	طرح نقش‌مایه	مآخذ
نقش‌مایه‌های گلی نقوش صخره‌ای عقرب‌لو				
۲	بز نوع دوم یا نقوش نمادین (اسطوره‌ای)			همان
۳	اسب‌سان یا الاغ			همان
۴	لوزی			همان
۵	تیر و کمان			همان
۶	مار			همان
۷	قورباغه			همان




ردیف	نوع نقش‌مایه	تصویر نقش‌مایه	طرح نقش‌مایه	مأخذ
نقش‌مایه‌های کلی نقوش صخره‌ای عقرب‌لو				
۸	مثلث تودر تو			همان
۹	لوزی ناتمام			همان



جدول ۲: مطالعه تطبیقی سنگ‌نگاره عقرب‌لو (منبع: نگارندگان).

ردیف	نام و محل مورد مطالعه	نام و محل سنگ‌نگاره مورد مقایسه	عنصر نقش‌مایه مورد مقایسه	تصویر نقش‌مایه مورد مقایسه	مأخذ
۱	سنگ‌نگاره عقرب‌لو	سنگ‌نگاره ارگس B سفلی (ملایر-همدان)	بز		بیک- محمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۲۱

ردیف	نام و محل سنگ نگاره مورد مطالعه	نام و محل سنگ نگاره مورد مقایسه	عنصر نقش مایه مورد مقایسه	تصویر نقش مایه مورد مقایسه	مأخذ
۲	سنگ نگاره عقربالو	سنگ نگاره ارگس B سفلی (ملایر- همدان)	بز نوع دوم		همان
۳	سنگ نگاره عقربالو	دره مزرعه نو خمین	سوارکار		ناصری فرد، ۱۳۸۸: ۱۳۴
۴	سنگ نگاره عقربالو	کوچری گلپایگان	مار		جمالی، ۱۳۹۴: ۱۰۲
۵	سنگ نگاره عقربالو	غار کرفتو دیواندره	لوزی		ناصری- فرد، ۱۳۸۸: ۹۶

ردیف	نام و محل سنگ‌نگاره مورد مطالعه	نام و محل سنگ‌نگاره مورد مقایسه	عنصر نقش‌مایه مورد مقایسه	تصویر نقش‌مایه مورد مقایسه	مأخذ
۶	سنگ‌نگاره عقربلو	دره دربند عباس‌آباد خمین	تیر و کمان		همان، ۹۸
۷	سنگ‌نگاره عقربلو	سفال‌های افق دالما	مثلث تودرتو		طلایی، ۱۳۹۰: ۳۲۳
۸	سنگ‌نگاره عقربلو	نقش‌مایه سفال‌های تل باکون	قورباغه		غرابی، ۱۳۸۱: ۱۸۲



سپاسگزاری

بدین‌وسیله از دوستان گرانقدر، آقایان دکتر احمد سلیمی و حامد حسن‌سوری به سبب مساعدت و همراهیشان در بخش میدانی تحقیق و نیز مهندس عبدالله سنه کارشناس ارشد زمین‌شناسی به سبب کمک در تشخیص بافت زمین‌شناختی محل صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- بیک محمدی، خلیل‌الله، جانجان، محسن و بیک‌محمدی، نسربین. (۱۳۹۱). «معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه B ارگس سفلی (ملایر - همدان)»، نامه باستان‌شناسی، شماره ۲، دوره دوم، صص ۱۲۱-۱۴۰.
- پدرام، محمود. (۱۳۷۳). «تمدن مهاباد، مجموعه آثار باستانی از قلعه دم تا تخت سلیمان»، تهران: نشر هور.
- جمالی، محسن. (۱۳۹۴). «سنگ‌نگاره‌های ایران؛ سنگ‌نگاره‌های گلپایگان، گذرگاه تاریخ»، قم: نشر ائمه (ع)، ج ۱، ص ۱.
- زاگارل، آلن. (۱۳۸۷). *باستان‌شناسی پیش از تاریخ منطقه بختیاری، ظهور شیوه زندگی در ارتفاعات*، ترجمه کورش روستایی، نشر سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی چهارمحال و بختیاری.
- سرفراز، علی‌اکبر و فیروزمندی، بهمن. (۱۳۸۳). *باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی (ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی)*، تهران: انتشارات عفاف، چ دوم.
- صفاران، الیاس، شوقی بابانظر، ثریا. (۱۳۹۴). «بررسی و مطالعه نقوش صخره‌ای مناطق شمال غرب ایران جهت بهره‌وری‌های فرهنگی، هنری و گردشگری (نمونه موردی روستای عقربلو و غار کرفتو)»، دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، آبان ماه ۱۳۹۴، صص ۱۳-۱.
- صفاران، الیاس، شوقی بابانظر، ثریا و باقرپور نجف‌آباد، سعیده. (۱۳۹۴). «معرفی نقوش صخره‌ای روستای عقربلو جهت بهره‌وری میراث فرهنگی و گردشگری»، اولین کنفرانس بین‌المللی هنر، صنایع دستی و گردشگری، مؤسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی، شیراز، ایران، صص ۵-۱.
- طلایی، حسن. (۱۳۹۰). *هشت هزار سال سفال ایران، تهران: سمت.*
- غرابی، سهیلا. (۱۳۸۱). *تجزیه و تحلیل نقوش حیوانی سفال‌های پیش از تاریخ فارس و ارتباط آن با ویژگی‌های اقلیمی*، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی دکتر حمید خطیب شهیدی.
- فراهی، مرتضی. (۱۳۷۶). «معرفی نقوش صخره‌ای نویافته در سیرجان و شهر بابک کرمان»، میراث فرهنگی، شماره ۱۷، صص ۱۹-۱۲.
- کارگر، بهمن. (۱۳۷۰). «گزارش فنی بررسی و شناسایی باستان‌شناسی محور سد بوکان - شاهین‌دژ»، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- محمدی‌فر، یعقوب و همتی ازندریانی، اسماعیل. (۱۳۹۳). «سنگ‌نگاره‌های ازندریان همدان»، مجله علوم اجتماعی (علامه طباطبایی)، شماره ۶۴، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ناصری‌فرد، محمد. (۱۳۸۸). «سنگ‌نگاره‌های ایران - نمادهای اندیشه نگار»، خمین: نشر خمین.
- نیکنامی، کمال‌الدین؛ موجشی، امیرساعد؛ حیدری، محسن و رضایی، ایرج. (۱۳۹۶). «گزارش مطالعات قوم‌نگاری و قوم باستان‌شناسی روستای لندی»، محسن نامه (مجموعه مقالات ایرانشناسی یادنامه دکتر محسن جعفری مذهب)، به خواستاری پروین استخری و جمشید کیان‌فر، تهران: نشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، صص ۷۷-۱۰۴.
- هینتس، والتر. (۱۳۸۷). *یافته‌های تازه از ایران باستان*، ترجمه پرویز رجبی، تهران: انتشارات ققنوس.
- Bindandeh, A., 2016. "Looking at Rock Art in Northwest of Iran", *International Journal of Archaeology*, Vol. 4, No. 1-1:12-17.

